

بخشوده درس:

# مستون حقوقي ۱

کرد آورنده:

جناب آقاي فرساد دارايي

موسسه آموزش عالی فروردین قائم شهر

No	Word	Definition	Page	Note
<b>PART 1</b>				
1	binding	الزام آور	۵	
2	Forbearance	ترک فعل	۵	
3	Refer	ارجاع	۵	
4	Consensus ad idem	توافق بر سر موضوع معین	۵	
5	Signify	معنی دادن ، مشخص کردن	۵	= Mean
6	Capacity	ظرفیت ، اهلیت	۵	≠ incapacity
7	Fraud	فریب	۵	
8	Consideration	ثمن	۵	
9	Under seal	تحت مهر ، سند رسمی یا سند مهر دار	۵	
10	Disapprove	رد کردن	۵	≠ Approve = Reject
11	Destitute	فاقد	۶	
12	Confer	اعطاء کردن	۶	
13	Thereto	بعلاوه	۶	
14	Infant	کودک ، صغار غیر ممیز	۶	
15	Induce	متعقد شدن	۶	= Make
16	Party deceived	طرف فریب خورده	۶	
17	Evidence	سند ، مدرک	۶	
18	recognizance	التزام نامه	۶	
19	Deed	سند رسمی	۷	
20	Characteristic	ویژگی ها	۷	
21	Signed	امضاء شده	۷	
22	Sealed	مهر شده	۷	
23	Delivered	تحویل شده	۷	
24	Escrow	سند تحویل مشروط	۷	
25	Fulfill	کاری بطور کامل انجام شدن	۷	
26	Indenture	سند چند جانبه	۷	
27	Conduct	رفتار	۷	
28	State	بیان کردن	۷	= Express ,Tell
29	Executory	موجب	۷	
30	Offeror	ایجاب کننده	۸	
31	Offeree	ایجاب شونده	۸	
32	Definite	معین	۸	
33	Communicate	ابلاغ	۸	
34	Treat	معامله کردن ، رفتار کردن	۸	
35	Statement	اعلام	۸	
36	Stipulate	مقرر شدن ، مقرر کردن	۸	

37	Revoke	انصراف از ایجاب (ایجاب کننده)	۸	= Withdraw
38	Withdraw	انصراف از ایجاب (ایجاب کننده)	۸	= Revoke
39	Reject	رد ایجاب (ایجاب شونده)	۸	= Refuse
40	Refuse	رد ایجاب (ایجاب شونده)	۸	= Reject
41	Counter offer	ایجاب متقابل	۹	
42	Unqualified	بی قید و شرط	۹	≠ Qualified
43	Acceptance subject contract	قبولی مشروط به انعقاد قرارداد	۹	
44	Fundamental	اساسی	۹	
45	Branch	شاخه	۹	= Field
46	Suffer	متحمل شدن	۱۰	
47	Detriment	ضرر	۱۰	
48	Real	واقعی	۱۰	= Actual
49	Genuine	اصیل	۱۰	
50	Vague	مبهم	۱۰	
51	Sham	خیالی و واهی	۱۰	
52	Adequate	متناسب	۱۰	=Competent
53	Desire	بخواهد	۱۰	= Want
54	Bargain	معامله	۱۰	
55	Break into a house	هتک حرمت منزل	۱۰	
56	Inevitably	بطور اجتناب ناپذیر	۱۰	
57	Privety of contract	اصل نسبی بودن قراردادها	۱۰	
58	Enforce	اعمال	۱۰	= Apply
59	Capability	توانایی	۱۱	
60	Absurd	محال	۱۱	
61	Laid down	مقرر شده است	۱۱	
62	Otherwise	در غیر اینصورت	۱۱	
63	Gift	هبه	۱۱	
64	Title	مالکیت	۱۱	
65	Bill of exchange	برات	۱۲	
66	Cheque	چک	۱۲	
67	Promissory note	سفته	۱۲	
68	Marine insurance	بیمه دریایی	۱۲	
69	Consumer	مصرف کننده	۱۲	
70	Credit	اعتبار	۱۲	
71	Share	سهام	۱۲	
72	Conform	مطابقت کردن	۱۲	
73	Sufficient	کافی	۱۲	= Enough
74	Memorandum	تذکار ، یادداشت	۱۲	
75	Proof	دلیل	۱۲	

76	Auction	مزایده عمومی	۱۲	
77	Artificial	مصنوعی	۱۳	
78	Artificial person	شخص حقوقی	۱۳	≠ Natural person
79	juristic person	شخص حقوقی	۱۳	≠ Natural person
80	Minors	خردسالان ، صغار	۱۳	
81	Chartered	صاحب امتیاز	۱۳	
82	Royal	سلطنتی	۱۳	
83	Charter	اجازه نامه	۱۳	
84	Clause	شرط	۱۳	
85	Memorandum of association	اساسنامه شرکت	۱۳	
86	Incapable	ناتوان	۱۳	≠ Capable
87	Caution	احتیاط ، اخطاری که پلیس به متهم می دهد		
88	Are treated	با آنها رفتار می شود	۱۴	
89	Drunken	شخص مست (مشروب)	۱۴	Intoxicated
90	Intoxicated	شخص مست (مواد مخدر)	۱۴	
91	Insanity	جنون	۱۴	
92	Arising	ناشی می شود	۱۴	
93	Implied	ضمنی	۱۴	
94	Exemption	معافیت	۱۴	
95	Regarding	در مورد	۱۴	
96	Pleases	بخواهد	۱۴	=Want
97	Hire-purchase	قرارداد اجاره به شرط تملیک	۱۴	
98	Instance	مورد ، مثال	۱۴	= Example
99	Authority	اختیار ، اعتبار ، قدرت	۱۴	
100	Impose	تحمیل کردن	۱۴	
101	Numerous	بسیار زیاد ، بی شمار	۱۴	= Many
102	Bear	در بر دارند	۱۴	
103	Reverse	پشت	۱۴	≠ Forward
104	Issued	صادر شده است	۱۴	
105	Regulations	مقررات	۱۴	
106	Excluding	مستثنی ساختن	۱۵	
107	Liability	مسئولیت	۱۵	
108	Distinguish	تمایز ساختن	۱۵	
109	Innocent	بی گناه ، مبرا	۱۵	
110	Treat	تلقی کردن ، رفتار کردن ، معامله	۱۵	
111	Discharge	انفساخ ، خاتمه یافتن	۱۵	
112	Further	بیشتر	۱۵	
113	Collateral	فرعی ، جانبی	۱۵	= Subsidiary

114	Subsidiary	فرعی	۱۵	= Collateral
115	Entitle	برخوردار بودن	۱۵	
116	Action for damages	دعوی مطالبه خسارت	۱۵	
117	Fortunate	خوش شانس	۱۵	≠ Unfortunate
118	worth	ارزش داشتن	۱۵	
119	Merely	تنها ، صرف	۱۵	= Only , Just
120	Master	شاهکار	۱۵	
121	Operate	اعمال کردن ، تاثیر داشتن	۱۵	= Apply
122	Undermine	تضعیف کردن	۱۶	
123	Consent	رضایت	۱۶	
124	Render	تغییر دادن	۱۶	= Change
125	Observe	مشاهده کردن	۱۶	
126	Mistake of rule	اشتباه موضوعی	۱۶	Mistake of fact
127	Mistake of fact	اشتباه حکمی	۱۶	Mistake of rule
128	Plead	اقامه دعوی	۱۶	
129	Maxim	اصل ، قاعده	۱۶	
130	Ignorantia juris haud excusat	جهل به قانون رافع مسئولیت نیست	۱۶	
131	Lease	اجاره	۱۶	
132	Thus	بنابراین	۱۶	
133	Circumstance	موقعیت ، شرایط	۱۶	
134	Identity	هویت	۱۶	
135	Matter	موضوع	۱۶	
136	Hence	از این رو ، بنابراین	۱۶	
137	Common	متعارف ، مشترک	۱۶	
138	Unilateral	یکطرفه	۱۶	
139	Ceased	متوقف	۱۶	
140	Imitation	تقلید ، تقلبی	۱۷	
141	Caveat emptor	اجازه دهید خریدار مطلع شود	۱۷	= Let the buyer be ware
142	Be ware	آگاه باشد	۱۷	
143	nullify	باطل کردن	۱۷	
144	Instrument	سند	۱۸	
145	Non est factum	این سند سند من نیست.	۱۸	It is not my deed.
146	Misrepresentation	تدلیس	۱۸	
147	Representation	اظهار	۱۸	
148	Innocent	غیر عمدی	۱۸	
149	Negligent	از روی غفلت	۱۸	
150	Fraudulent	متقلبانه	۱۸	

151	Dishonest	نامصدقانه ، نادرست	۱۸	
152	Either	چه ، اگر چه	۱۸	
153	Redress	جبران خسارت	۱۹	= Compensation
154	Relied	مطمئن	۱۹	
155	Plaintiff	خواهان	۱۹	
156	Uberimae fidei	قراردادهای با حسن نیت کامل	۱۹	= Of the utmost good faith
157	Disclosure	افشاء کردن	۱۹	
158	Falling within this	در این قرار می گیرند	۱۹	
159	Utmost	حداکثر ، بیشترین	۱۹	
160	Faith	ایمان ، نیت	۱۹	
161	Prejudiced	زیان دیده	۱۹	Innocent
162	Ought	باید	۱۹	= Must
163	Prospectus	بروشور ، آگهی عرضه سهام شرکت ها	۱۹	
164	Suretyship	ضمانت نامه	۱۹	
165	Fiduciary	اشخاص ذینفع	۱۹	
166	Duress	اجبار	۲۰	= Force
167	Undue influence	اعمال نفوذ ناروا	۲۰	
168	Trustee	امین	۲۰	Beneficiary
169	Beneficiary	ذینفع	۲۰	= Fiduciary    Trustee
170	Solicitor	مشاور حقوقی	۲۰	Client
171	Client	موکل ، مشتری	۲۰	Solicitor
172	Principal	اصیل	۲۰	Agent
173	Agent	نماینده	۲۰	Principal
174	Partnership	مشارکت نامه	۲۰	
175	Goodwill	حسن نیت	۲۰	
176	At the instance	بنابر اختیار	۲۰	
177	Violence	خشونت	۲۰	
178	Threatened	تهدید	۲۰	
179	Unlawful imprisonment	حبس غیر قانونی	۲۰	
180	Obtain	کسب کردن	۲۰	
181	Exert	اعمال کردن	۲۰	
182	Exercising	اعمال کردن	۲۰	
183	Independent	مستقل	۲۰	
184	Set aside	کنار زدن	۲۰	
185	Alleging	ادعا کردن	۲۰	
186	Burden	بار	۲۰	
187	Proving	اثبات	۲۰	

188	Burden of proving	بار اثبات	۲۰	
189	Illegality	غیر قانونی بودن	۲۰	
190	Contravenes	مغایر با	۲۰	
191	Statute	اساسنامه ، قانون	۲۰	
192	Steal	سرقت کردن	۲۰	
193	Conspiracy	تبانی	۲۰	
194	Perform	انجام دادن	۲۰	
195	Declare	اعلام کردن	۲۱	
196	Gaming	قمار بازی	۲۱	
197	As amended	به نحوی که اصلاح شد	۲۱	
198	Wagering	شرط بندی	۲۱	
199	Option	اختیار	۲۱	
200	Commit	متعهد کردن	۲۱	
201	Crime	جرم	۲۱	
202	Tort	شبه جرم	۲۱	
203	Counterfeit	تقلبی	۲۱	
204	Theft	سرقت	۲۱	
205	Maim	ناقص کردن عضو	۲۱	
206	Tending	منجر شدن	۲۱	
207	Immorality	غیر اخلاقی	۲۱	
208	Sexual immorality	فساد جنسی	۲۱	
209	Prostitution	روسپی گری	۲۱	
210	Is contrary	مخالف است	۲۱	
211	Good morals	اخلاق حسنه	۲۱	
212	Absolute	کامل ، مطلق	۲۱	
213	Restraint	منع مطلق	۲۱	
214	Champerty	شرخری	۲۱	
215	maintenance	مداخله در امور قضائی	۲۱	
216	interest	نفع	۲۱	
217	litigation	رسیدگی قضائی	۲۱	= Tending
218	Financial assistance	کمک مالی	۲۱	
219	tending	منجر می شود	۲۱	
220	bribery	رشوه	۲۱	
221	corruption	فساد	۲۱	
222	Honours	القاب افتخاری	۲۱	
223	voluntarily	داوطلبانه	۲۲	
224	Residing	مقیم	۲۲	
225	Territory	قلمرو	۲۲	
226	Crown	سلطنتی	۲۲	

227	Competing	رقابت	۲۲	
228	Consequently	در نتیجه	۲۲	
229	Performance	ایفاء تعهد	۲۳	
230	Subsequent	بعدی	۲۳	
231	Frustration	متفی شدن	۲۳	
232	Refusal	امتناع	۲۳	
233	Quantum meruit	اجرت المثل	۲۳	
234	Injection	قرار منع انجام کار	۲۳	
235	Rescission	فسخ	۲۳	
236	Sue on	اقامه دعوی	۲۳	
237	Quasi-contract	شبه عقد	۲۴	
238	Essence	اساس	۲۴	
239	Impose	تحمیل کردن	۲۴	
240	Obligation	تعهد	۲۴	
241	Despite	با وجود اینکه	۲۴	
242	Seemingly	ظاهرا	۲۴	
243	Derive	ناشی شدن	۲۴	= Arise
244	Crooked	پیچیده	۲۴	
245	Twisted	تابیده	۲۴	
246	Denote	دالت کردن	۲۴	
247	Distinct	تمایز دادن	۲۴	
248	Compensation	جبران خسارت	۲۴	
249	Defendant	خوانده	۲۴	
250	Conversion	غصب	۲۴	
251	Assault	ضرب و جرح یا تهدید به آن	۲۴	
252	Are fixed	تعیین شده اند	۲۵	
253	Remedy	جبران خسارت	۲۵	
254	Unliquidate	نامعین	۲۵	
255	Exclusively	انحصارا	۲۵	
256	Merely	تنها	۲۵	
257	Equitable	انصافی	۲۵	
258	Asserting	تصریح کردن	۲۵	= Expressing
259	Tortious	مسئولیت مدنی	۲۵	
260	Toward	نسبت به	۲۵	
261	Redressible	قابل جبران	۲۵	
262	Volenti non fit injuria	هیچ خسارتی به کسی که خودش اقدام کرده پرداخت نمی شود. (قاعده ی اقدام)	۲۵	= No injury can be done to a willing person
263	Commission	ارتکاب	۲۵	
264	Obvious	بارز ، بدیهی	۲۵	

265	Punch	کوبیدن	۲۵	
266	Opponent	حریف	۲۵	
267	Complain	شکایت کردن	۲۵	
268	Ignorantia legis non excusat	قاعده جهل به قانون رافع مسئولیت نیست.	۲۶	= Ignorance of law is no excuse
269	Malicious prosecution	پیگرد غیر قانونی	۲۶	
270	False imprisonment	حبس غیر قانونی	۲۶	
271	Afford	ممکن است	۲۶	
272	Necessity	اضطرار	۲۶	
273	Intentionally	از روی قصد و عمد	۲۶	
274	Excused	توجیه شده ، پذیرفته شده	۲۶	
275	Statutory authority	اختیار قانونی	۲۶	
276	Subordinate legislation	آیین نامه ، قانونگذاری تبعی یا فرعی	۲۶	
277	Proportionate	متناسب	۲۶	
278	Trespass	تجاوز ، تعدی	۲۶	
279	Substantive law	حقوق ماهوی	۲۷	
280	Assault	تهدید به حمله	۲۷	
281	Battery	ضرب و جرح	۲۷	
282	Consent of plaintiff	رضایت خواهان	۲۷	
283	Preservation	حفظ	۲۷	
284	Throwing	انداختن	۲۷	
285	Material	مادی ، اساسی	۲۷	
286	Interference	مداخله	۲۷	
287	Possession	تصرف	۲۷	
288	Per se	به خودی خود	۲۷	
289	Omission	ترک فعل	۲۷	
290	Unless	مگر اینکه	۲۷	
291	Nuisance	مزاحمت	۲۷	
292	Endanger	در خطر انداختن	۲۷	
293	Is obstructed	با مانع مواجه شد	۲۷	
294	Indictment	کیفر خواست	۲۸	
295	Jury	هیئت منصفه	۲۸	
296	Servitude	حقوق ارتفاقی	۲۸	
297	Triviality	جزئی بودن	۲۸	
298	Reasonableness	متعارف بودن	۲۸	
299	Disposal	نقل و انتقال	۲۹	
300	Aggregate	انبوه ، متراکم	۲۹	

301	Destruction	انهدام	۲۹	
302	Disposition	انتقال	۲۹	
303	Violate	تخلف کردن ، نقض کردن	۲۹	
304	Violent	خشن ، سخت	۲۹	
305	Acquired	کسب شده	۲۹	
306	Originally	اصالتاً	۲۹	
307	Clay jar	کوزه سفالی	۲۹	
308	Occupation	حیازت	۲۹	
309	Abandoned	اعراض شده	۲۹	
310	Accession	الحاقی	۲۹	≠ Derivatively
311	Begts young	بچه ای بزاید	۲۹	
312	Derivatively	بطور اشتقاقی	۲۹	≠ Accession
313	Compulsory acquisition	تحصیل اجباری (مال)	۲۹	
314	Distress	توقیف	۲۹	
315	Succession	توارث	۲۹	
316	Will	وصیت نامه	۲۹	
317	Possession	تصرف	۳۰	
318	Corpus possessionis	تصرف مادی	۳۰	
319	Animus possidendi	قصد تصرف	۳۰	
320	Exclusive	انحصاری	۳۰	
321	Capable	قابلیت ، صلاحیت	۳۰	
322	Sense	مفهوم	۳۰	
323	Corporeal	مادی	۳۰	
324	Incorporeal	غیر مادی	۳۰	
325	Patent right	حق اختراع	۳۰	
326	Debt	بدهی	۳۰	
327	Free hold	آزاد ، طلق	۳۰	
328	Subdivided	ریز تقسیم شدن	۳۰	
329	Lease	اجاره	۳۱	
330	Suffice	کافی بودن	۳۱	
331	Landlord	موجر ، مالک	۳۱	
332	Tenant	مستاجر	۳۱	= Lessee
333	Lessor	موجر	۳۱	
334	Covenant	پیمان ، تعهد	۳۱	
335	Owed	بایستی انجام شود ، بدهکار بودن	۳۱	
336	Derogate	تخلف کردن	۳۲	= Violate
337	Grant	اجاره	۳۲	

338	Premise	مکان	۳۲	
339	Promise	تعهد ، قول	۳۲	
340	Interfere	مزاحمت	۳۲	
341	Habitation	سکونت	۳۲	
342	Rent	اجاره بها	۳۲	
343	Rates	عوارض	۳۲	
344	Taxes	مالیات	۳۲	
345	Commit waste	مرتکب اتلاف شدن	۳۲	
346	Deliberately	آزادانه	۳۲	
347	Depreciate	ناقص شدن	۳۲	
348	Servitude	حقوق ارتفاقی	۳۲	
349	Ordinary	عادی	۳۲	
350	Extend	توسعه یافتن	۳۲	
351	Servitudes	حقوق ارتفاقی	۳۲	
352	easement	حقوق ارتفاقی عادی	۳۲	
353	profits a prendre	حقوق ارتفاقی موقتی	۳۲	
354	Bequest	موصی به منقول	۳۳	= Legacies
355	Legacies	موصی به منقول	۳۳	= Bequest
356	Devises	موصی به غیر منقول	۳۳	≠ Legacies , Bequest
357	Lease holds	مال الاجاره ها	۳۳	
358	Respectively	به ترتیب	۳۳	
359	Domicile	اقامتگاه	۳۳	
360	Permanent	دائمی	۳۳	
361	Equated	مساوی بودن	۳۳	
362	Indeed	در واقع	۳۳	
363	Wide gulf	شکاف عمیق	۳۳	
364	Conception	مفهوم	۳۳	
365	Exert	اعمال می کند	۳۳	
366	Nullity	بطلان	۳۳	
367	Mutual	متقابل	۳۳	
368	Guardian	قیم	۳۳	
369	Ward	مولی علیه	۳۳	
370	Legitimation	مشروعیت	۳۳	
371	Adoption	فرزند خواندگی	۳۳	
372	Proprietary	مالی	۳۳	
373	Movables	اموال منقول	۳۳	
374	Assigned	تعیین شده	۳۴	
375	Combination	ترکیب	۳۴	
376	Residence	اقامتگاه	۳۴	
377	Dependency	تبعی	۳۴	

378	Mentally disorderd	مختل المشاعر	۳۴	
379	Presumed	فرض شده	۳۵	
380	Prove	اثبات کردن	۳۵	
PART 2				
381	Sovereign	حاکم	۴۵	
382	Equality	تساوی	۴۵	
383	Sovereign equality	تساوی حاکمیت	۴۵	
384	Rest on	متکی بودن	۴۵	
385	Ultimately	نهایتا	۴۵	
386	Bilateral	دوجانبه	۴۵	
387	Multilateral	چند جانبه	۴۵	
388	International custom	عرف بین المللی	۴۵	
389	Justice	عدالت	۴۵	
390	Equity	انصاف	۴۵	
391	Qualified	شناخته شده	۴۵	
392	Publicist	حقوقدان برجسته	۴۵	
393	Jus cognes	قواعد الزام آور حقوق بین الملل	۴۵	
394	Norms	مقررات	۴۵	
395	Derogation	تخلف	۴۵	
396	Territorial	سرزمینی	۴۶	
397	Coast	ساحل	۴۶	
398	Belt	کمربند	۴۶	
399	Adjacent	در مجاورت	۴۶	
400	Seabed	بستر دریا	۴۶	
401	Subsoil	زیر بستر دریا	۴۶	
402	Innocent	بی ضرر	۴۶	
403	Maritime law	حقوق دریاها	۴۶	
404	Contiguous	نظارت ، مجاور	۴۶	= Adjacent
405	Zone	منطقه	۴۶	
406	Not exceeding	متجاوز نیست	۴۶	
407	Baseline	مبدأ	۴۶	
408	High sea	دریای آزاد	۴۶	
409	Constitute	تشکیل دادن ، در بر گرفتن	۴۶	
410	Archipelagic	مجمع الجزایری	۴۶	
411	Navigation	عبور ، کشتیرانی	۴۷	
412	Fishing	ماهیگیری	۴۷	
413	Lay <i>STH</i>	خواباندن چیزی	۴۷	
414	Submarine cables	کابل های زیر دریایی	۴۷	
415	Pipelines	خطوط لوله	۴۷	

416	Over fight	پرواز بر فراز	۴۷	
417	Construct <i>STH</i>	ساخت چیزی	۴۷	
418	Artificial island	جزایر مصنوعی	۴۷	
419	Permitted	اجازه داده شده	۴۷	
420	Install	نصب کردن	۴۷	
421	Hot pursuit	تعقیب فوری	۴۷	
422	Warship	کشتی جنگی	۴۷	
423	Vessels	ناو ها	۴۷	
424	Aircrafts	نیروهای هوایی	۴۷	
425	Pursue	تعقیب کردن	۴۷	
426	Suspect	مظنون شدن	۴۷	
427	Mineral resources	منابع معدنی	۴۷	
428	Mining in sea bed	بهره برداری از عمق دریاها	۴۷	
429	Disadvantage	فاقد امتیاز	۴۷	
430	Heritage	میراث	۴۷	
431	Mankind	بشریت	۴۷	
432	Exclusive	انحصاری	۴۸	
433	Nautical	دریایی	۴۸	
434	Breadth	پهنا	۴۸	= Width
435	Beyond	فرا تر	۴۸	
436	Explore	اکتشاف	۴۸	
437	Exploiting	بهره برداری	۴۸	
438	Conserving	حفاظت	۴۸	
439	Continental	قاره ای	۴۸	
440	Shelf	فلات	۴۸	
441	Gently	ملایم ، آرام	۴۸	
442	Sloping	شیب دار	۴۸	
443	Ledge	لبه	۴۸	
444	Shallow water	آب کم عمق	۴۸	
445	Projecting from <i>STH</i>	شروع می شود از	۴۸	
446	Shoreline	خط ساحلی	۴۸	
447	Steep	سراشیب	۴۸	
448	Descent	سرازیری	۴۸	
449	Sovereign equality	تساوی حاکمیت	۴۸	
450	Fulfill	تمام و کمال انجام دادن	۴۸	
451	Assume	فرض کردن	۴۸	
452	In accordance	مطابق با	۴۸	
453	Settle	حل و فصل کردن	۴۸	
454	Dispute	اختلافات	۴۸	

455	Means	ابزار ، وسیله	۴۸	
456	Manner	حالت ، روش	۴۸	
457	Refrain	خودداری کردن	۴۹	
458	Integrity	تمامیت	۴۹	
459	Territorial integrity	تمامیت سرزمینی	۴۹	
460	Inconsistent	مخالف	۴۹	= Opposite
461	Intervene	مداخله	۴۹	
462	Domestic	داخلی ، محلی	۴۹	= Local
463	Submit	تسلیم کنند	۴۹	
464	Prejudice	صدمه زدن	۴۹	
465	Measures	اعمال می کنند	۴۹	
466	General assembly	مجمع عمومی	۴۹	
467	Security council	شورای امنیت	۴۹	
468	Economic and social council	شورای اقتصادی و اجتماعی	۴۹	
469	Trusteeship council	شورای قیمومت	۵۰	
470	International court of justice	دادگاه بین المللی دادگستری	۵۰	
471	Secretariat	دبیرخانه	۵۰	
472	Majority	اکثریت	۵۰	
473	Preamble	مقدمه	۵۰	
474	Whereas	از آنجا که	۵۰	
475	Inherent	ذاتی	۵۰	
476	Dignity	کرامت ، حیثیت ، شان	۵۰	
477	Inalienable	جدایی ناپذیر	۵۰	
478	Promote	ارتقاء	۵۰	
479	Pledge	متعهد کردن	۵۰	
480	Exile	تبعید کردن	۵۱	
481	Achive	دست پیدا کردن	۵۱	
482	Co-operation	تعامل و همکاری	۵۱	
483	Observance	رعایت	۵۱	
484	Fundamental	اساسی	۵۱	
485	Realization	تحقق	۵۱	
486	Pledge	تحول ، متعهد کردن	۵۱	
487	Proclaim	اعلام کردن	۵۱	
488	Individual	شخصی	۵۱	
489	Constantly	بطور مستمر	۵۱	
490	Strive	تلاش کردن	۵۱	= Try
491	Progressive	پیش رونده	۵۱	

492	Beings	موجودات	۵۱	
493	Endow	اعطاء کردن	۵۱	= Confer
494	Conscience	وجدان	۵۱	
495	Spirit	روح	۵۱	
496	Liberty	آزادی	۵۱	
497	Torture	شکنجه	۵۱	
498	Cruel	عمل وحشیانه	۵۱	
499	Inhuman	غیر انسانی	۵۱	
500	Degrading	خوار کننده	۵۱	
501	Treatment	تنبيه ، درمان	۵۱	
502	Competent	ذی صلاح	۵۲	
503	Tribunal	دادگاه	۵۲	
504	Violate	نقض کردن	۵۲	
505	Granted	به آنها داده شده	۵۲	
506	Arbitrary	خودسرانه	۵۲	
507	Arrest	بازداشت	۵۲	
508	detention	حبس	۵۲	
509	Correspondence	مکاتبات	۵۲	
510	Reputation	شرافت	۵۲	
511	Residence	اقامت	۵۲	
512	Nationality	تابعیت	۵۳	
513	Deprive	محروم کردن	۵۳	
514	Manifest	آشکار کردن	۵۳	
515	Practice	عمل	۵۳	
516	Worship	عبادت کردن	۵۳	
517	Observance	رعایت	۵۳	
518	Take part	شرکت کردن	۵۳	
519	Representative	نماینده (مجلس)	۵۳	
520	Will	اراده	۵۳	
521	Periodic	زمانبندی شده	۵۳	
522	Genuine	اصیل	۵۳	
523	Election	انتخابات	۵۳	
524	Suffrage	(حق) رای	۵۳	
525	Equivalent	مساوی ، معادل	۵۴	
526	Literary	ادبی	۵۴	
527	Artistic	هنری	۵۴	
528	Author	مولف ، پدید آورنده	۵۴	
529	Domicile	اقامتگاه	۵۴	
530	Attachment	ضمیمه ، وابستگی	۵۴	
531	Retain	حفظ کردن	۵۴	= Preserve

532	In its place	به جای آن	۵۴	
533	Base	پایگاه ، اساس	۵۵	
534	At will	ارادی	۵۵	
535	Whereby	که به موجب آن	۵۵	
536	Privileges	امتيازات	۵۵	
537	Jus soli	سیستم خاک	۵۵	
538	Jus sauguinis	سیستم خون	۵۵	
539	Allegiance	وفاداری	۵۵	
540	Naturalization	کسب تابعیت	۵۵	
541	Formal transference	انتقال رسمی	۵۵	
542	Alien	تبعه ی بیگانه	۵۵	
543	National	تبعه	۵۵	
544	Wherein	که در آنجا	۵۵	
545	Possess	داشتن	۵۵	
546	Admit	پذیرفتن	۵۵	
547	Exclude	اخراج کردن ، مستثنی کردن	۵۵	
548	Civil	مدنی	۵۵	
549	Holding	نگه داشتن	۵۵	
550	Inheriting	ارث گذاشتن	۵۵	
551	Real property	اموال غیر منقول	۵۵	
552	Resident aliens	بیگانگان مقیم	۵۶	
553	Transient aliens	بیگانگان عبوری	۵۶	
554	Simultaneously	همزمان	۵۶	
555	Former	پیشین	۵۶	
556	Renounce	ترک کردن	۵۶	
557	Conflict	تعارض	۵۶	
558	Expatriation	سلب تابعیت	۵۷	
559	Claim	مطالبه کردن	۵۷	
560	In turn	به نوبه ی خود	۵۷	
561	Renunciation	ترک تابعیت	۵۸	
562	Oath	سوگند	۵۸	
563	Dislocation	بی خانمانی	۵۸	
564	Revolution	انقلاب	۵۸	
565	Undertaken	تعهد شده	۵۸	
566	Expatriation	ترک تابعیت	۵۸	
567	Unless	بغیر ، مگر ، وگرنه ، الا		
568	Convenience	رفاه		
569	Reasonableness	متعارف بودن		
570	advancement	پیشرفت		

571				
572				
573				
574				
575				
576				
577				
578				
579				
580				
581				
582				
583				
584				
585				
586				
587				
588				
589				
590				
591				
592				
593				
594				
595				
596				
597				
598				
599				

#### علامات و نشانه ها

=	مترادف
≠	متضاد
	مرتبط
<i>STH</i>	Something